

## برخی از شما همسران شان را مانند برده کتک می زند و چه بسا در پایان همان روز، با او همبستر می شوند.

از عبدالله بن زمعه رضی الله عنه روایت است که از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیده که در سخنرانی اش، دربارهٔ شتر صالح علیه السلام و کسی که آن را پی کرد، سخن گفت و فرمود: «إِذْ أَبْيَعَتْ أَشْقَاهَا» ابیعت لَهَا رَجُلٌ عَزِيزٌ، عَارِمٌ مِنْيَعٌ فِي رَهْطِهِ»: «إِذْ أَبْيَعَتْ أَشْقَاهَا» مردی که در میان قومش بی نظیر و گرامی، مقتدر و بسیار تبهکار بود، به سرعت برخاست (و ماده شتر را پی کرد). سپس دربارهٔ زنان سخن گفت و فرمود: «يَعْمَدُ أَحَدُكُمْ فِي جَلْدِ امْرَأَةٍ جَلْدُ الْعَبْدِ فَلَعْلَهُ يُضَاجِعُهَا مِنْ أَخْرِ يَوْمِهِ»: «برخی از شما همسران شان را مانند برده کتک می زند و چه بسا در پایان همان روز، با او همبستر می شوند»! سپس مردم را دربارهٔ بادی که از شکم خارج می شود، نصیحت کرد و فرمود: «لَمْ يَضْحُكْ أَحَدُكُمْ مِمَّا يَفْعَلُ؟»: «چرا برخی از شما به خاطر کاری که از خودش سر می زند، به دیگران می خندرد؟».

[صحیح است] [متفق علیه]

رسول الله صلی الله علیه وسلم سخنرانی می کرد که یکی از شنووندگان عبدالله بن زمعه بوده است؛ از جمله مواردی که رسول الله صلی الله علیه وسلم در این سخنرانی به آن پرداخته و عبدالله شنیده، ذکر شتری بوده که معجزهٔ پیامبر خدا صالح علیه السلام بوده است؛ و از کسی سخن گفته که آن را پی کرده و به او قُدار بن سالف می گفتند و بدیخت ترین افراد قوم بود؛ برخی از صفت‌های وی که به آنها اشاره شده عبارتند از: بی نظیر بودن، پر فساد بودن، صاحب قدرت در میان قومش. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم در سخنرانی اش فرمود: «يَعْمَدُ أَحَدُكُمْ فِي جَلْدِ امْرَأَةٍ جَلْدُ الْعَبْدِ»: «برخی از شما همسران شان را مانند برده کتک می زند». معمولاً کتک کاری شدید بوده است؛ سیاق حدیث بیانگر بعید بودن این دو امر از انسان عاقل می باشد؛ اینکه به شدت همسرش را به باد کتک بگیرد و در ادامهٔ روز یا همان شب با وی همبستر شود؛ این درحالی است که همبستری و هم خوابگی زمانی نیکو است که با میل و رغبت همراه باشد؛ حال آنکه غالباً کسی که کتک خورده و لطعمه دیده، از کسی که با او چنین رفتاری داشته نفرت دارد؛ و این مساله به مذمت و نکوهش چنین رفتار متناقضی اشاره دارد؛ و بیانگر این مهم است که اگر چاره‌ای جز تنبیه نیست، باید تادیب با تنبیه اندکی همراه باشد به گونه‌ای که نفرت مطلق به دنبال نداشته باشد؛ لذا باید در تنبیه و تادیب افراط و زیاده روی کرد. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم آنها را در مورد خنیدن به خاطر بادی که از دیگری خارج می شود، هشدار می دهد. زیرا چنین رفتاری خلاف مروت و جوانمردی بوده و با هتک حرمت همراه است؛ و در بیان رشتی آن فرمود: «لَمْ يَضْحُكْ أَحَدُكُمْ مِمَّا يَفْعَلُ؟»: «چرا برخی از شما به خاطر کاری که از خودش سر می زند، به دیگران می خندرد؟». زیرا خنیدن برای امری عجیب است. خنده‌ای که اثر آن، خود را بر پوست ظاهر نماید تبسم است؛ و اگر قوی تر بوده و با صدا همراه باشد، "ضحك" می باشد؛ و اگر بیش از این مقدار باشد "قهقهه" نام دارد. این درحالی است که خارج شدن باد امری معمولی و مشترک در میان همهٔ انسان‌ها می باشد، بنابراین چه دلیلی برای خنیدن به آن وجود دارد؟



النّجَاةُ الْخَيْرِيَّةُ  
ALNAJAT CHARITY

